

اصول و شاخصه های سبک زندگی قرآنی (مطالعه موردی هر یک از اعضاء خانواده)

حمید رضا فاضلی^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

بحث سبک زندگی از دیرباز تاکنون مورد توجه بوده است. سبک زندگی قرآنی، در واقع نوع زیستن را به انسان ها معرفی می کند؛ آیات بی شماری دالّ بر این موضوع وجود دارد. این مقاله در صدد است تا با روش کتابخانه ای و نگارشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن کریم، اصول و شاخصه های سبک زندگی قرآنی مورد ارزیابی قرار دهد؛ چرا که قرآن کریم با توجه به آسمانی بودن متن آن و منزه بودنش از سهو و اشتباه های رایج بشری، از اتقان و اعتبار بسیار بالاتری نسبت به سایر متون برخوردار است. بر این اساس، ضمن ارائه تعریفی مختار از سبک زندگی و خانواده به بررسی شاخصه های آن پرداخته خواهد شد؛ چراکه زندگی قرآنی در گرو انجام وظایف هر یک از اعضا می باشد. در این پژوهش با ارائه یک تعریف جامع از «سبک زندگی» و وظایف عمومی و اختصاصی هر یک از اعضای خانواده پرداخته شده است؛ چراکه اعضای خانواده وظایف مشترکی چون؛ شکر نعمت، تقوا و پرهیزکاری، صداقت، از خودگذشتگی، صبر و شکیبایی، توکل و ایمان به خدا و قناعت دارند. به طور کلی، در این پژوهش به سبک زندگی قرآنی که شامل تعریف سبک زندگی، مسئله ازدواج همراه با معیارهای انتخاب همسر و وظایف هر یک از اعضای خانواده برای تشکیل خانواده قرآن اشاره شده است. نتایج پژوهش حاکی از شناخت وظایف هر یک از اعضای خانواده که منجر به تشکیل یک خانواده قرآنی و داشتن یک زندگی سالم می شود.

واژه های کلیدی: سبک زندگی، خانواده، قرآن کریم، ازدواج، اخلاق، اقتصاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

قرآن کریم به وسیله نبی اکرم (ص) از جانب خداوند در اختیار انسانها قرار گرفته است، پیامش جز کلام خداوند نیست به همین دلیل بهره گیری از آن برای هدایت انسانها جز خوشبختی نخواهد بود. روش انجام پژوهش، توصیفی و تحلیلی بوده که با استناد به آیات قرآن کریم به صورت کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. در مورد سبک زندگی دینی باید گفت: بدون سبک زندگی قرآنی نمی‌توان به اهداف دین دست یافت و انسان به رشد واقعی و به هدف خلقتش نمی‌رسد. بدون سبک زندگی قرآنی، جامعه نمی‌تواند مسائل قرآنی را به طور کامل هضم کرده و به حقایق مورد نیاز خود برسد و تزکیه مورد نظر قرآن، محقق نخواهد. اهمیت مفهوم سبک زندگی در این است که سطحی‌ترین لایه‌های زندگی (از آرایش مو و لباس گرفته تا حالت بیانی و ژست صورت و بدن) را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

بررسی نسبت میان سبک زندگی با سیره و الگو و یافتن نقاط اشتراک و اختلاف آنها از اهداف این پژوهش است. از آنجایی که سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای با لحاظ نظری برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی حاکم بر روح و روان آنهاست، کسب آگاهی‌های لازم در خصوص مفهوم سبک زندگی و باورهای دینی و تعامل این دو مقوله، ضروری است. این پژوهش به دنبال ارائه نگاه راهبردی به موضوع سبک زندگی، ارائه رویکرد کاربردی مبتنی بر سبک زندگی از آموزه‌های قرآنی به منظور اصلاح وضع موجود در جهت شرایط مطلوب و فضا سازی فکری و ایجاد زمینه برای کشف و طراحی نظام سبک زندگی قرآنی می‌باشد.

در تبیین این مسئله، با استفاده از آیات قرآن کریم باید دید که چه عواملی باعث پیدایش سبک زندگی اسلامی می‌شود؟ آیا خداوند سبحان در قرآن کریم اصولی را برای زندگی بیان کرده است؟ مولفه‌های سبک زندگی قرآنی کدامند؟ قرآن برای سبک زندگی قرآنی چه بر نامه‌هایی را بیان می‌کند؟ نقش هر یک از اعضای خانواده برای تشکیل زندگی قرآنی؟ بنابراین، با توجه به پرسش‌های مطرح شده، تبیین شاخصه‌های سبک زندگی قرآنی از مباحثی است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. مفهوم سبک زندگی

۱-۱-۲. در کلام دانشمندان اسلامی

معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «سلوب» است. سبک زندگی همان شیوه زیستن است تلاش برای هماهنگی با قوانین شرعی تا نسان را به مسیر درست راهنمایی کند گویی که زبک زندگی اسلامی در تمام عرصه‌های زندگی آدمی جای داشته و در ارتباط انسان با خدا، خود و خلق با تکیه بر متن قرآن و سیر معصومین (ع) است که می‌تواند شیوه درست سبک زندگی را انتخاب کرد (پور امینی، ۱۳۹۱، ص ۱۷). سبک زندگی اسلامی یعنی در زندگی هر فرد، چه شخصی، چه غیر شخصی (خانوادگی، اجتماعی و...) قواعد، الگوها، قالب‌ها و ملاک‌های اسلامی نقش مهمی ایفا کند؛ یعنی روش‌ها را بر اساس آنچه اسلام گفته و خواسته است به کار گیرد (شریعت پناه، ۱۳۹۲، ص ۴۸). غایت آموزه‌های دینی، رهایی از وضع موجود سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی است (رجب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹). از نظر اسلام، فکری و تصمیمی در زندگی انسان حکیمانه است که بر اساس عقل حاکم تولید شده باشد (خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۱۳). سبک

زندگی اسلامی عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی شود بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می گیرد، اما هر رفتاری که مبنای اسلامی داشته باشد باید حداقل های شناخت ها و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد (کاوایانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

۲-۱-۲. در کلام دانشمندان غربی

معادل واژه «سبک» در زبان انگلیسی «style» است. عبارت «سبک زندگی» (life style) در شکل نوین آن اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. از دیدگاه سویل، سبک زندگی عبارت است از هر شیوه متمایز و بنابراین، قابل تشخیص زیستن (بازری و چاوشیان، ۱۳۸۱، ص ۳). این عبارت به منظور توصیف ویژگی های زندگی آدمیان مورد بهره برداری قرار گرفت. «آنتونی گیدنز» در تعریف سبک زندگی می گوید: سبک زندگی، روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چهارچوب زمان و مکان ممکن می سازد (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). یاسر من، سبک زندگی را الگویی از مصرف می داند که دربردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش هاست (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷). آدلر از این اصطلاح برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. سبک زندگی هدف فرد، خود پنداره، احساس های فرد نسبت به دیگران و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می شود (فیست و گریگوری، ۱۳۸۴، ص ۹۷). به طور کلی، تعاریف پیرامون سبک زندگی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف. مجموعه تعاریفی که سبک زندگی را جنبه رفتاری می داند و جهت گیری ذهنی افراد را از دایره این مفهوم بیرون می گذارد.

ب. ارزش ها و نگرش ها را نیز بخشی از سبک زندگی می داند. این تقسیم بندی به نوعی ماهیت میان رشته ای دارد، این سخن بدان معنا است که در دسته اول، رو یکرد جامعه شناسی غالب است، حال آن که در دسته دوم، رویکرد روان شناسی مورد توجه است.

۲-۲. مفهوم خانواده

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از رهاورد تأمل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده های اجتماعی است. در آیه ۷۴ سوره فرقان می خوانیم: «و کسانی که می گویند خدای ما ما را از همسران مان نور چشمان بیخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان.»^۱ این آیه بر اهمیت خانواده و پیش آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده آل پرهیزکاران معرفی می کند. در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها،

^۱ «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.»

چگونگی زندگی، عاداتها، تمایلات و اهداف والدین از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ سازی خواستها و تمایلات خودشان از یک سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می شوند. ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: «از نشانه های او این است که از خود شما جفتهایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند.»^۲

خانواده کوچک ترین اجتماع انسانی است که روابط اعضای آن در درجه نخست از پیوندی عاطفی و خونی برخوردار است که این رابطه تکالیف و حقوق خاصی را ایجاد می کنند. نقش همسری، پدری، مادری، فرزندی، برادری و خواهری نقش هایی هستند که در خانواده وجود دارد. این نقش ها رابطه ای حقوقی را میان اعضای خانواده پدید می آورد. این روابط حقوقی در بخش هایی از حقوق مدنی و فقه همچون کتاب نکاح، طلاق، ارث و... بررسی می شوند. اجرای احکام حقوقی در خانواده حافظ نظم خانواده به عنوان جزئی از جامعه است. این نظم کمک می کند که اعضای خانواده از حمایت های رسمی حکومت در برابر تعدی برخی دیگر از اعضای خانواده برخوردار شوند. ولی در برقراری نظم خانوادگی اصل قانون نیست؛ آن چه روابط خانوادگی را مستحکم می کند محبتی است که میان اعضای خانواده برقرار می شود. شناخت احکام اخلاقی خانواده و عمل به آنها محبت خانوادگی را سالم و بارور نگاه می دارد و در سایه باروری نهال محبت، نظم خانوادگی استوار می ماند؛ بی آن که نیازمند حمایت دستگاه قضایی باشد.

۳. گزینش همسر

ازدواج نخستین گام برای تشکیل خانواده است و به سبب همه کارکردها و نتایجی که خانواده داراست، عملی ارزشمند و ستوده است. ازدواج مایه آرامش زن و مرد است: «و از نشان های او این که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.» (روم/ ۲۱) چنین بنای مبارکی در صورتی می تواند آرامش زن و مرد و فرزندان آنان را پدید آورد که از گام نخست با اندیشه و سنجش صحیح انجام گیرد. ازدواج صرفاً ارضاء کننده غریزه جنسی نیست، بلکه مقدمه تأسیس نهاد خانواده است. در درون این نهاد علاوه بر تمتع جنسی همسران از یکدیگر، بسیاری از نتایج دیگر به دست می آید که همگی وابسته به پایداری خانواده و محبت آمیز بودن روابط اعضای آن است. برای آن که خانواده از آغاز به شکلی مطمئن پایه ریزی شود، انتخاب همسر باید به شیوه ای صحیح باشد؛ یعنی به گونه ای که احتمال تأمین اهداف خانواده را بالا ببرد. بنابرین معیارهای گزینش همسر نمی تواند یکسویه باشد. مثلاً تأکید بر زیبایی همسر، یکسویه نگری است. کسی که زیبایی همسر و یا ثروت او را یگانه معیار انتخاب قرار می دهد به فرزندان خانواده نیاندیشیده و به تأثیر اخلاقی و دینی همسران بر یکدیگر توجه نکرده است. در این جا از باب نمونه به چند مورد از معیارهای همسر شایسته اشاره می کنیم:

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.»

۱-۳. دینداری

دین داری و تقوا از معیارهای مهم در انتخاب همسر است، هر اندازه این ویژگی قوی تر باشد، رعایت حد و حدود شرعی کامل تر و پای بند به اصول خانواده بیشتر خواهد بود و هر چه ضعیف تر باشد، به همان اندازه می تواند به استحکام و پایداری خانواده آسیب برساند. قرآن می فرماید: «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند، قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند، قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد، آنان شما را به سوی آتش فرامی خوانند و خدا به فرمان خود (شمارا) به سوی بهشت و آمرزش می خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد، شاید متذکر شوید.»^۳ (بقره / ۲۲۱)

۲-۳. تناسب

ازدواج نوعی ترکیب بین دو انسان و خانواده است، زندگی مشترک، یک پدیده مرکب است که اجزاء اصلی و اساسی آن، زن و مرد می باشند. هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، هم فکری، تناسب شخصیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد. این ترکیب، استوارتر، محکم تر، پرمتر، شریف تر، لذت بخش تر و جاودانه تر خواهد بود. قرآن کریم در این مورد می فرماید: «زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند، و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک هستند. اینان از نسبت های ناروایی که (ناپاکان) به آنان می دهند، میرا هستند و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پُرازشی است.»^۴ (نور / ۲۶).

انسان برای آن که انتخابی صحیح داشته باشد و مکمل زندگی اش را آسانتر پیدا کند باید شناختی کامل از خلق و خوی خود داشته باشد (بانکی پور فرد، ۱۳۸۹، ص ۷۴)، و گرنه به مشکلات جبران ناپذیری برخورد خواهد کرد. پس آدمی هنگامی که خود را شناخت در انتخاب همسر خویش بهتر می تواند تصمیم گیری نماید.

۳-۳. آراسته به اخلاق

قرآن کریم در ماجرای موسی (ع) با دختران شعیب می فرماید: «یکی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است).»^۵ (قصص / ۲۵) از این آیه استفاده می شود که شخصیت اخلاقی و رفتاری دختران شعیب و روح فتوت و جوانمردی، امانت داری، موسای جوان در ازدواج آنان مؤثر بوده است.

۳. «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.»

۴. «الْحَيَّاتُ لِلْحَبِيبِينَ وَالْحَبِيبُونَ لِلْحَبِيبَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّوُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ.»^۴

۵. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ.»^۵

۴-۳. اصالت خانوادگی

اصالت و شرافت خانوادگی زن و مرد، یکی از ملاک های ازدواج، به ویژه در جوامع اسلامی است. شرافت خانوادگی یعنی خوش نامی، نجابت، پاکیزه بودن، دینداری و بزرگواری. این موارد نقش تعیین کننده ای در تعالی همسران دارد و زمینه ساز تربیت فرزندان سالم، صالح و بانشاط است، البته این بدان معنا نیست که افراد مومن و شایسته تنها در خانواده های اصیل و دیندار رشد یافته اند. چراکه ممکن است از درون خانواده ای که به هر دلیل گرفتار آسیب های اجتماعی شده است، فرزند مومن و متعهدی بیرون آید.

۵-۳. عفت و حجاب

حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه، عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگرچه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و به ویژه زنان را حجاب می گویند که مانع از نگاه نامحرم به آنان می شود. عفت نیز حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود. قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می گوید، می فرماید: «حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرم او را از دید حیوانی ننگرند. در قرآن علت و فلسفه حجاب را چنین ذکر می کند: «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلبابها (روسری های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.»^۶ (احزاب/ ۵۹)

۴. وظایف اعضای خانواده

پس از انعقاد پیمان همسری، خانواده تشکیل می شود و اولین رابطه ای که پدید می آید رابطه زوجیت است. این رابطه پدید آورنده دو نقش برای شوهر و زن است هر یک از این دو نقش حقوق و تکالیفی را ایجاب می کند. این حقوق و تکالیف وضع شده اند تا اهداف ازدواج به بهترین شکل ممکن تحقق یابد. جنبه های اخلاقی ادای حقوق و انجام تکالیف همسری بسیار است اگر هدایت کننده روابط همسری، اخلاق باشد، نتایج بهتری از ازدواج حاصل می آید.

موضوع پژوهش حاضر اصول و شاخصه های سبک زندگی قرآنی در محیط خانواده است. اصول اخلاق و اقتصادی بیشترین نقش را در محیط خانواده دارند. در این اینجا به بررسی آنها می پردازیم:

۱-۴. وظایف عمومی (مشترک) بین اعضا

۱-۱-۴. شکر نعمت

۶. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».

۶. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».

از مسائلی که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید کرده و در قرآن و روایات به عنوان خصلتی ارزنده و نیک برای انسانها بیان شده شکرگزاری و سپاس از بابت نعمتهای الهی است. اسلام می خواهد افراد به درجه ای از یقین برسند که در هر حالی اعم از آرامش و یا روی آوردن مصائب شکر خدا را بجای آورند. علامه طباطبائی در توضیح آیه «... وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران/ ۱۴۴) می فرماید: و حقیقت شکر اظهار نعمت است. چنانکه حقیقت کفری که مقابل آن است اخفاء نعمت می باشد و اظهار نعمت عبارت از استعمال آن در محلی است پس شکر خدا به این است که انسان نعمت را در محل خودش بکار برده و در موقع استفاده از آن نیز متذکر خدا بوده باشد. (طباطبائی، ۱۳، ج ۷، ص ۶۵)

۲-۱-۴. تقوا و پرهیزکاری

دوری از ناپاکیها و طهارت در امور مختلف زندگی انسانی (شامل؛ پندارها، گفتارها و کردارهاست) انسان را در مسیر سعادت قرار می دهد. اگر قلب انسان پاک گردد و تمایل به ناپاکیها نداشته باشد، راه دور شدن سایر اعضا و جوارح انسان از گناهان هموار میشود و ارزش زندگی انسان به میزان دوری جستن او از گناهان است. خداوند سبحان می فرماید: «اگر آنها گرویده و پرهیزکاری کرده بودند قطعاً پاداشی (که از جانب خدا) می یافتند) بهتر بود، اگر می دانستند.»^۷ (بقره/ ۱۰۳)

۳-۱-۴. صداقت

صداقت در حقیقت، یکتایی در گفتار و کردار است، به عبارتی دیگر یکتایی در زندگی انسان است؛ یعنی سبک وجودی انسان سرشار از راستی باشد، نه این که دارای صورتها و سیرتهای گوناگونی باشد، بلکه در همه زمانها و مکانها بر همه وجود آدم یک رویی حاکم باشد. خداوند در قرآن فرمود: «تا خدا راستگویان را به (پاداش) راستی شان پاداش دهد و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا بر ایشان ببخشد که خدا همواره آمرزنده مهربان است.»^۸ (احزاب/ ۲۴)

۴-۱-۴. از خودگذشتگی

شاخصه بعدی سبک زندگی از نظر کلام وحی بخشش و گذشت از خطاهای یکدیگر است قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمايند از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشایید و درگذرید و بیاورید به راستی خدا آمرزنده مهربان است.»^۹ (تغابن، ۱۴)

بدون بخشش و گذشت، پیوندی باقی نمی ماند و ادامه زندگی انسان ناممکن می گردد. زیرا اگر هیچ یک انسان ها بخشش و گذشتی نکنند و در حق و حقوق خود سختگیر باشند زندگی تلخ خواهد شد و همکاری در خانواده غیر ممکن خواهد بود و

۷. «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ.»

۸. «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.»

۹. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.»

اگر کسی خواهان این است که خدا از گناهانش بگذرند و لغزشش هایش را نادیده بگیرد و او را ببخشد باید خود نسبت به دیگر افراد اینگونه باشد.

«و سرمایه داران و فراخ‌دولتان شما نباید از دادن (مال) به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.»^{۱۰} (نور، ۲۲)

۵-۱-۴. صبر و شکیبایی

اگر زن و مرد بخواهند فارغ از شکیبایی و بردباری راه زندگی مشترک راه طی کنند، به مشکلات بسیار دچار می‌شوند و پیوسته در تنش فرو می‌روند از این رو لازم است زن و مرد در زندگی خانوادگی نسبت به هم و در رویارویی با مسایل و مشکلاتی که پیش می‌آید شکیبا و بردبار باشند. خداوند سبحان در باره این موضوع می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را ننگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید امید است که رستگار شوید.»^{۱۱} (آل عمران/ ۲۰۰) شکیبایی یاد شده شامل شکیبایی در همه مسایل زندگی اعم از مشکلات جسمی و روحی و گرفتاری های زندگی چه اقتصادی و عاطفی و ... می‌باشد.

۶-۱-۴. توکل و ایمان به خدا

کسی که تدبیر امور خویش را به خالق واگذار کند در واقع برای خود سرمایه‌ای ذخیره نموده است. سرمایه چیزی است که می‌توان با آن کسب و کار نمود و از سود و بهره آن استفاده کرد اعتماد کردن به او سرمایه‌ای بی‌پایان است که ثمرات و منافع بی‌شماری در پی دارد.

باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن خود به خویش نزدیک تر می‌بیند: «ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک تریم»^{۱۲} (ق/ ۱۶)، تلاش می‌کند تا در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت آنها را جلب نماید. توجه به عدالت خدا، اینکه هیچ ظلمی را روا نمی‌دارد و حق هیچ مظلومی را ضایع نمی‌کند، زمینه شناخت دیگری برای مهار رفتاری اعضای خانواده است. هرچه این حالت قوی تر باشد، مشکلات فرد کمتر خواهد بود. توجه به صفات خداوند، از جمله رحمت و مهربانی گسترده، توانایی نامحدود و... آثار مثبت بر زندگی فرد و جنبه های خانوادگی او بر جا می‌گذارد و عطف و رحمت اعضای خانواده نسبت به هم بیشتر و زمینه پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات می‌گردد. بنابراین، توکل بر خداوند در همه امور زندگی از آثار ایمان به خداوند است که خانواده را در برابر مشکلات یاری می‌رساند.

۱۰. «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

۱۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

۱۲. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا مَا تُؤَسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ».

۴-۱-۷. قناعت

قناعت در ریشه اسلامی یعنی به کمترین ها رضایت داشته باشیم که از مهمترین روشهای رسیدن به سبک زندگی است. نه تنها در اسلام بلکه در سایر ادیان و جوامع بشری از قناعت به عنوان راهی مناسب به یک زندگی آرام و مناسب یاد می کنند. دین مبین اسلام و قرآن مجید همواره برای تربیت دینی و اخلاقی پیروان خود و بشر و به منظور دستیابی به سبک زندگی صحیح و سالم مبتنی بر ساده زیستی و پرهیز از تجملات برنامه های مدونی را مهیا و ارائه نموده است در همین راستا فرهنگ پرهیز از اسراف و قناعت پیشه کردن از جمله این برنامه ها است که در آیات قرآن به وضوح دیده می شود.

۴-۱-۸. انس با قرآن

خداوند متعال در آیات مختلفی سفارش نموده که با قرآن انس بگیرید و آن را قرائت کنید (مزمّل/۲۰)، قرآن نور است و مفاهیم آن لازمه ایجاد زندگی بشری است، در نتیجه انسان به معارف و مفاهیم قرآن فقیر و نیازمند می باشد.

۴-۲. وظایف اختصاصی هر یک از اعضا

۴-۲-۱. وظایف اخلاقی

خداوند سبحان در آیات قرآن کریم برای هر یک از افراد با توجه به موقعیتی که دارند، وظایفی را مطرح کرده است؛ وظایف اخلاقی یک دسته از آنها می باشد، در اینجا وظایف اخلاقی هر یک از اعضا به گونه ای خاص، مطرح می شود:

۴-۲-۱-۱. وظایف اخلاقی مرد

۴-۲-۱-۱-۱. نسبت به همسرش

۴-۲-۱-۱-۱-۱. خوش خلقی

علاوه بر وظایف واجب مرد به لحاظ اخلاقی موظف است با همسر خود با اخلاق نیکو رفتار کند و اسباب آرامش او را با رفتار مناسب خود فراهم آورد: «با همسران خود به نیکی رفتار کنید.»^{۱۳} (نساء/ ۱۹)

۴-۲-۱-۱-۱-۲. بردباری

بردباری در مقابل زن، علاوه بر حفظ رابطه همسری از خطر سردی و جدایی، نوعی عمل تربیتی است و ثواب اخروی دارد. مردی که بر بداخلاقی همسرش شکیبایی کند خداوند پاداشی همچون پاداش ایوب که بر بلا شکیبا بود خواهد داد. (ص/ ۴۳)

۱۳. «و عاشروهن بالمعروف.»

۳-۱-۱-۱-۱-۴. حفظ همسر از گناه

حفاظت زن از آلوده شدن به گناه و باز داشتن او از اختلاط غیر لازم با مردان، از تکالیف شوهر است که محیط خانواده را سالم و محیط اجتماع را امن می‌سازد مرد در انجام این وظیفه باید حد اعتدال را رعایت کند. مرد وظیفه دارد همسرش را با قرآن مأنوس کند تا دستورات الهی را یاد بگیرد.

۲-۱-۱-۲-۴. نسبت به فرزندانش

محیط خانواده اولین محیط اجتماعی است که فرزند تجربه می‌کند او از اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر بیشترین تأثیر را می‌پذیرد؛ زیرا حمایت پدر و مادر خود را تجربه کرده است و همواره دیده است که ضعف‌های جسمی او را پدر و مادر جبران می‌کنند و تغذیه و پرورش او را از روی مهر و شفقت انجام می‌دهند. این تجربه‌ها موجب اطمینان او نسبت به آن‌ها می‌شود و این اطمینان باعث پذیرندگی فرزند از پدر و مادر می‌گردد. اگر پدر و مادر در این زمان عقاید صحیح را به او بیاموزند، قلب نیالوده او آن را می‌پذیرد و عادات لازم و متناسب با عقاید صحیح را می‌یابد.

۱-۲-۱-۱-۲-۴. اعتدال و میانه روی

پدر و مادر باید فرزندان را همچون موهبتی الهی پذیرا شوند و شکرگزار خداوندی باشند که به آنان شرف پدر بودن و مادر بودن را عطا فرمود و نیز از خدا بخواهند که توفیق انجام وظایف خویش را داشته باشند. بنابراین پدر و مادر با تولد فرزند خویش خدا را سپس می‌گویند و برای آنان دختر یا پسر بودن فرزند تفاوتی نخواهد داشت. اسلام دین نیکی و عدالت است، حتی نسبت به کفار، خداوند متعال می‌فرماید: «و از میان کسانی که آفریده ایم گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند.»^{۱۴} (اعراف/ ۱۸۱)

۲-۲-۱-۱-۲-۴. پاک نمودن محیط

پدر و مادر مسئول سلامت و رشد جسمی و روحی فرزندان خود هستند. والدین اگر خود به فضایل اخلاقی آراسته باشند و محیط خانه را از رذایل اخلاقی بیبرایند مهم‌ترین شرط تربیت اخلاقی فرزند را فراهم کرده‌اند. فرزند چنین خانواده‌ای به رستگاری نزدیک‌تر است و آرامش روحی لازم را برای تقرب به سوی خدا داراست.

۳-۲-۱-۱-۲-۴. انتخاب نام زیبا

نامگذاری فرزند تحت تأثیر عقیده والدین، ارزش‌های حاکم بر جامعه، آرزوهای والدین درباره آینده او و زیبایی‌های لفظی و آوایی صورت می‌گیرد هر گاه والدین همه این عناصر را در نظر بگیرند و در نامگذاری فرزند خود عقاید الهی و ارزش‌های اسلامی را در نظر گیرند و آرزوهای خود را برای فرزند مطابق الگوهای شرعی و بافضیلت قرار دهند و زیبایی ظاهری و آوایی نام

۱۴. «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ

يُؤْمِنُونَ»

او را رعایت کنند نامگذاری خوبی انجام داده اند. نام نیکو تأثیر فراوانی بر شخصیت فرزند دارد و نامگذاری نامناسب تأثیر سویی بر آرامش روانی او خواهد گذارد

۴-۲-۱-۱-۲-۴. انتقال عقاید صحیح

تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به فعلیت رسیدن قوای او در راه تقرب به خداوند است. این عمل نیازمند آگاهی و تمرین عملی است. اگر پدر و مادر در جهت انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم کرده‌اند و خداوند بر آنان رحمت خواهد نمود. درباره عقیده صحیح و انتقال به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده والدین گذاشته شده است؛ زیرا تأثیر عقایدی که در خانواده رواج دارد و به فرزند القاء می‌شود در آینده او غیر قابل انکار است.

۴-۲-۱-۲-۲. وظایف اخلاقی زن

زنان همانند مردان وظایف اختصاصی دارند که برای ایجاد یک خانواده قرآنی رعایت آنها الزامی است.

۴-۲-۱-۲-۱-۱. نسبت به همسرش

۴-۲-۱-۲-۱-۱-۱. فرمان برداری

اطاعت مستمر و متواضعانه، وظیفه‌ای است که قرآن کریم، به صراحت از زن خواسته است. روشن است این فرمان‌بری به معنای محرومیت استقلال زن، در اراده فردی خود نیست، بلکه فرمان‌بری در قلمرو حقوقی است که خداوند برای مردان، در نظر گرفته که مهم‌ترین شاخصه آن، فرمان‌بری در مسئله زناشویی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «زنان صالح، متواضعند.»^{۱۵} (نساء/ ۳۴)

۴-۲-۱-۲-۱-۲-۱-۲. وفاداری

زن همچو مرد وظیفه دارد به همسر خود وفادار باشد. زنان اگر از شوهران خود اطاعت کنند و پاکدامنی کنند و بر حفظ اموال و منافع شوهر خود کوشا باشند از نعمت بهشت برخوردار خواهند بود زیرا رضایت شوهر در کمال زن بسیار مؤثر و شرط بهره‌مندی او از آخرت نیکوست. زن باید به عقد و پیمانی که در ابتدا با همسرش بسته است، پایبند باشد. (مانده / ۱)

۴-۲-۱-۲-۱-۳-۱-۳. معاشرت پسندیده

معاشرت نیکو با همسر مراتب مختلفی دارد که برخی از آنها واجب شرعی بوده، همسران موظف هستند آن را رعایت کنند. اما مراد از معاشرت نیکو در این بحث، برخوردی نیکوتر و مناسب‌تر از مقدار واجب است. به عبارت دیگر، مقداری که شرعاً و قانوناً واجب نیست، ولی لزوم اخلاقی دارد و در تکمیل ایمان و همچنین بهبود روابط همسری بسیار مؤثر است.

۱۵. «فَالصَّالِحَاتُ قَنَاطَاتٌ...»

۴-۱-۲-۱-۴. مدارا با شوهر

مدارا به معنای مهربانی و نرمی کردن، شفقت و ملایمت نشان دادن، درایت و فهم، مماشات و سلوک، از آموزه‌های اخلاقی دین اسلام و حتی از دستوره‌های اخلاقی سایر ادیان است. این دستور اخلاقی در زندگی اجتماعی به طور عام، و در نهاد خانواده به طور خاص، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. این ویژگی اخلاقی در تعاملات عمومی و تعامل با خانواده و فرزندان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ به طوری که بدون رعایت آن، خیلی از امور جامعه و خانواده به سامان نمی‌یابد. اگر شخصی در مسائل اجتماعی، خانوادگی و همسراری نتواند با ملاطفت، نرمی و مماشات رفتار کند، با شکست مواجه خواهد شد و در اداره زندگی ناتوان می‌گردد. تحمل بدرفتاری شوهر، اجری بسیار دارد و مقام زن را بالا می‌برد. زنی که بر بدخلقی شوهرش شکیبایی کند خداوند پاداشی همچون پاداش آسیه همسر فرعون به او خواهد داد.

۴-۱-۲-۱-۵. استقبال و بدرقه شوهر

استقبال از همسر هنگام وارد شدن او به منزل یا بدرقه او هنگام بیرون رفتن، نشانه علاقه‌مندی و صمیمیت میان آنان است. این عمل زن، افزون بر اینکه اجر معنوی در پی دارد، موجب افزایش مهر و محبت در میان آنان می‌گردد. چه نیکوست که هرگاه شوهر وارد منزل می‌شود، زن با چهره‌ای شاد و خندان و ظاهری آراسته و زیبا به پیشواز همسرش رود، در را به روی او بگشاید، به او سلام کند و بهتر آن است که در سلام کردن، هر یک بر دیگری سبقت بگیرند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و چون به شما درود گفته شد شما به (صورتی) بهتر از آن درود گوید یا همان را (در پاسخ) برگردانید که خدا همواره به هر چیزی حسابرس است.»^{۱۶} (نساء/ ۸۶)

۴-۱-۲-۱-۶. قدردانی از همسر

قدردانی و سپاسگزاری از همسر از آموزه‌های اخلاقی دوجانبه است؛ یعنی هم زن و هم مرد باید در مقابل کارهایی که انجام می‌گیرد، از همدیگر قدردانی کنند. سپاسگزاری، بازناب عاطفی محبت و خوش‌اخلاقی در روان آدمی است. هر انسانی به‌طور طبیعی دوست دارد از نیکی و محبت و فداکاری دیگران قدردانی کند و همچنین دوست دارد از او قدردانی شود. قدردانی از دیگران در مقابل انجام دادن کاری، یکی از صفات پسندیده و از بزرگ‌ترین رمزهای جلب دوستی و لطف دیگران است. گرچه به تشکر و قدردانی از دیگران سفارش شده است، اهمیت آن درباره همسران مضاعف بوده، نقش تعیین‌کننده‌ای در گرمی و صمیمیت میان آنان دارد. به طوری که این امر جزو وظایف اخلاقی همسران تلقی شده است.

۴-۱-۲-۱-۷. پرهیز از آزار همسر

رعایت حدود و حقوق همسر و آزار نرساندن به او (اعم از آزار جسمی و یا زبانی)، از وظایف اخلاقی دوطرفه است و همسران باید آن را رعایت کرده، بدان ملتزم باشند. زن باید از هر گونه عملی که موجب رنجش خاطر شوهر می‌شود، بپرهیزد و دقت کند که شوهر از چه کاری، حرفی و حرکتی ناراحت می‌شود و او سعی کند آنها را انجام ندهد. زن باید زبان خود را کنترل

۱۶. «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا.»

کرده و از زخم زبان، طعنه، متلک، کنایه زدن و هر عملی که به نوعی تخریب‌کننده عواطف و شخصیت شوهر است، اجتناب ورزد.

۸-۱-۲-۱-۴. رازداری

هر فردی ممکن است کاستی‌ها، عیب‌ها، رازها و مسائل محرمانه‌ای داشته باشد که دوست ندارد دیگران از آن مطلع گردند. از این‌رو، حفظ اسرار و عیوب و رازهای دیگران از فضیلت‌های اخلاقی شمرده شده و به آن توصیه گردیده است. از نظر اخلاقی، کسی حق ندارد اسرار دیگران را فاش کند. چه بسا افشای اسرار افراد موجب اختلاف، آبروریزی، دشمنی و مشکلات دیگر گردد. قرآن می‌فرماید: « زنان صالح در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، یعنی حقوقی که خداوند برای همسران آنها قرار داده، حفظ می‌کنند.»^{۱۷} (نساء/ ۳۴)

۹-۱-۲-۱-۴. اطاعت از شوهر

خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ.» (نساء/ ۳۴) این دال بر این موضوع است که زنان باید در امور از شوهران خود اطاعت کنند.

۲-۲-۱-۲-۴. نسبت به فرزندان

بیان وظایف اخلاقی فرزندان اهداف با توجه به نکات مذکور، بیان وظایف اخلاقی فرزندان در واقع به دو هدف صورت می‌گیرد: هدف نخست آشنا شدن والدین با الگوی رفتاری مناسب فرزندان است تا تربیت اخلاقی کودکان خود را مطابق آن سامان دهند و هدف دوم آشنایی فرزندان بزرگسال با تکالیف اخلاقی خود را در برابر والدین است. به این ترتیب والدین به این عنون که خود نیز فرزند هستند باز هم مخاطب تکالیف اخلاقی می‌باشند.

۳-۱-۲-۴. وظایف اخلاقی فرزندان

در این جا نیز رابطه فرزند با والدین مورد نظر است؛ البته آن بخش از روابط که به فعل اختیاری فرزند مربوط است. فرزند به صورت طبیعی محبت خالصانه و بی چشم داشت والدین را درک می‌کند و به اقتضای فطرت خویش، به پدر و مادر تعلق عاطفی پیدا می‌کند. او زمانی که به سن تمییز اخلاقی می‌رسد، احساس سپاس از والدین را دارا است. با رشد فرزند و همزمان با ایجاد درک اخلاقی، درک سایر امور نیز رشد می‌کند. در سایه این رشد فکری و به سبب افزایش توانایی‌ها، فرزند به تدریج از پدر و مادر خود فاصله می‌گیرد و به سوی زندگی مستقل حرکت می‌کند. احساس توانمندی و درک بیشتر و گرایش به استقلال، او را از تابعیت والدین به سمت اظهار و اعمال آراء مستقل متمایل می‌کند. تفاوت آراء سلیقه‌ها و عملکردها، در محیط خانه منشاء برخوردهایی میان اعضای خانواده می‌شود. این برخوردها در سنن رشد فرزندان با برخوردهای کودکانه تفاوت دارد. در دوره کودکی رفتارهای کودک هیچ‌گونه ارزش اخلاقی مثبت یا منفی ندارد، ولی افعال فرزند، در سن رشد دارای ارزش اخلاقی است. اهمیت شناخت وظایف اخلاقی فرزند، مربوط به سنین رشد و بزرگسالی است. اطلاع از وظایف

۱۷. «حَفِظْتَ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ.»

اخلاقی، فرزندان نوجوان خانواده را قادر می‌سازد و در عین تلاش برای استقلال فکری و عملی از خانواده حدود اخلاقی را نیز رعایت کند.

۲-۲-۴. وظایف اقتصادی

۱-۲-۲-۴. وظایف اقتصادی مرد

از نظر فقهی سرپرستی خانواده با شوهر و پدر است یعنی با کسی که معمولاً دو نقش پدری و شوهری را داراست، سرپرستی خانواده حقوق و تکالیف زیادی را برای پدر در پی دارد. مسئولیت مالی خانواده بر عهده اوست و باید نفقه همسر و فرزندان را تأمین کند و وسایل زندگی و آسایش آن‌ها را فراهم آورد. این تکلیف شرعی و حقوقی را می‌توان به اشکال گوناگون انجام داد ولی رعایت برخی چیزها ارزش اخلاقی آن‌ها را بالا می‌برد. سرپرست خانواده می‌تواند به اعضای خانواده نفقه‌ای کم‌تر از حد توانایی‌اش بدهد و آنان را دچار سختی معیشت کند و نیز می‌تواند به آن‌ها نفقه زیادی بدهد و زندگی را مرفه سازد. تعیین حد میانه نفقه که برای فرزندان و همسر ایجاد سختی نکند و در عین حال به رفاه غفلت‌زا بدل نگردد. به سطح اقتصادی جامعه و خانواده بستگی دارد. برای هر جامعه و خانواده‌ای، سطح متوسط و مطلوب زندگی متفاوت است؛ ولی به هر حال این سطح را اعضای هر جامعه و خانواده می‌شناسد و درستی یا نادرستی انتظارات خود را با آن سطح می‌سنجند. تأمین زندگی مناسب موجب تقویت روابط اعضای خانواده است. اگر اعضای خانواده احساس کنند سرپرست خانواده علی‌رغم توانایی مالی از تأمین زندگی بهتر خودداری می‌کند، نسبت به عواطف او دچار تردید می‌شوند و روابط آن‌ها سرد می‌شود. پس بهتر است هر کس در حد توان خود به زندگی همسر و فرزندان توسعه دهد تا سلامت عاطفی خانواده محفوظ باشد و فرزندان در محیطی گرم‌تر تربیت شوند. گشایش و فراخی زندگی فقط به کم و زیادی امکانات وابسته نیست؛ اعمال سلیقه‌ها و در نظر نگرفتن خواست و سلیقه خانواده نیز اهمیت دارد. سرپرست خانواده می‌تواند بر خواسته‌ها و سلیقه‌های خود اصرار کند و از خواهش‌های شرعی زن و فرزند خود بی‌تفاوت بگذرد این عمل نیز علاقه‌مندی او به خانواده را مورد تردید قرار می‌دهد.

۱-۲-۲-۴-۱. کار و تلاش حلال

در آیات قرآن کریم فوق العاده به مسئله تلاش و کوشش برای کسب رزق و رونق اقتصادی اهمیت داده شده است، رکن اساسی زندگی و عامل بقای جوامع بشری است بدیهی است که رونق اقتصادی بدون کار و تلاش ممکن نیست. همانا خداوند متعال می‌فرماید: «ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گامهای شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست.»^{۱۸} (بقره/ ۱۶۸)

۱۸. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»^{۱۸}

۲-۱-۲-۲-۴. برنامه ریزی

خانواده مانند هر سازمان نیاز به مدیریت و برنامه ریزی دارد. با برنامه بررسی آیات قرآن کریم می توان موضوعاتی چون برنامه ریزی مدیران خانواده با مشورت اعضا برای اجرای امور را به عنوان مهمترین شاخصه های مدیریت در اداره اقتصاد خانواده مورد توجه قرار داد.

۲-۲-۲-۴. وظایف اقتصادی زن

زنان در مدیریت و برنامه ریزی الگوهای مصرفی در خانواده نقش اصلی را دارند و در جوامع سنتی این نقش در مسیر قناعت در خانواده پر رنگ تر بود. برخی از کارشناسان مصرف را کلید فهم تحولات اجتماعی بیان می کنند چرا که بر این اساس واقعیت خانواده را بهتر می توان شناخت. با توجه به اینکه سطح زندگی افراد در جامعه دچار تغییرات اساسی است نگاه امروز به اقتصاد در جامعه نگاهی وسیع و گسترده است. در قدیم مصرف صرفاً یک رفتار اقتصادی بیان می شد به طوری که افراد غنی به لحاظ درآمد بالا، از کالاهای بیشتری هم مصرف می کردند، حال آنکه امروزه مصرف وسیله ای شده که افراد شخصیت خود را با آن به دیگران نشان می دهند؛ در واقع مصرف به یک رفتار اجتماعی تبدیل شده است. گر در خانواده ای مصرف و استفاده از کالاهای مصرفی توسط مادر خانواده مدیریت نشود اقتصاد خانواده دچار مشکل می شود. همان طور که نقش زن در جامعه سنتی در قناعت، بسیار چشمگیر بوده است، در جوامع مدرن هم در گرایش یا عدم گرایش افراد خانواده به مصرف گرایی بسیار مؤثر است.

۳-۲-۲-۴. وظایف اقتصادی فرزندان

نقش کودکان و فرزندان به عنوان یکی از مصرف کنندگان عمده در خانواده ها از یک سو و همچنین جایگاه آنان در آتیه اقتصاد خانواده ها از سوی دیگر لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می کند. با رهبری صحیح و به جا در اقتصاد خانواده، خصوصیات جمع گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه جویی، مسئولیت پذیری و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می یابد. هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبودها و محدودیت های اقتصادی خانواده ها می تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت نگرانی آنان نقش مهمی ایفا کند.

نتیجه گیری

بحث سبک زندگی از مباحث مهم قرآن بوده است و مولفه های آن در آیات قرآن نیز بسیار ذکر شده است. در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی بوده و به صورت کتابخانه ای انجامید، با بررسی مولفه های سبک زندگی در فرهنگ قرآن، به این نتیجه دست یافتیم که برای تشکیل خانواده قرآنی باید اصولی مانند معیار انتخاب همسر را از قبل از ازدواج رعایت کرد و پس از ازدواج باید وظایف هر کدام هر یک از اعضا با توجه به آیات قرآن مشخص شود، در مرحله بعد باید فرزندان را با قرآن و دستورات آن آشنا کرد و وظایف آنها را مطابق با این آیات معین کرد، در این صورت است که خانواده قرآنی تشکیل خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم با ترجمه محمد مهدی فولادوند.
 - ۱. انصاری مقدم، مجتبی، ۱۳۹۶، اخلاق اسلامی در قرآن و احادیث، مشهد: مینوفر، چاپ اول.
 - ۲. پور امینی، محمد باقر (۱۳۹۱). سبک زندگی (منشور زندگی امام رضا(ع))، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
 - ۳. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی، تهران: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ چهارم.
 - ۴. فیست، جی و جی فیست گریوگوری (۱۳۸۴)، نظریه های شخصیت، تهران: روان، بی جا.
 - ۵. کاویانی، محمد (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
 - ۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
 - ۷. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۸)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم.
 - ۸. میریام، وبستر (۱۳۷۹)، **merriam - websters collegiate dictionary**، تهران: ابتدا، بی جا.
 - ۹. صدری مازندرانی، حسن (۱۳۸۹)، هنر همسر داری، قم: مشهور.
 - ۱۰. بانکی پور فرد، امیر حسین (۱۳۸۹)، مطلع مهر، اصفهان: حدیث راه عشق.
- ب) مقالات**
- ۱۱. ابازری، یوفس؛ چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی (رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی)، مجله نامه علوم اجتماعی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۳-۲۷.
 - ۱۲. خطیبی، حسین؛ ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، مروری بر شاخصه های سبک زندگی، مجله معرفت، بی تا، شماره ۲۲، صص ۱۳-۲۵.
 - ۱۳. ربانی، رسول؛ رستگار، یاسر (۱۳۸۷)، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، مهندسی فرهنگی، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۴۴-۵۳.
 - ۱۴. رجب نژاد، محمد رضا؛ حاجبی، یحیی؛ مهدوی طالب، امیر؛ رجب نژاد، سعید (۱۳۹۱)، بررسی سبک زندگی از منظر حیات طیبه در قرآن، نشریه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بی تا، شماره ۱.
 - ۱۵. سحابی، هاله (۱۳۸۵)، حقوق و وظایف زن در قرآن، اندیشه، شماره ۷۷، صص ۷۲-۸۰.
 - ۱۶. شریعت پناه، علی (۱۳۹۲)، قواعد و الگوها در سبک زندگی، نشریه پیامدهای انقلاب، شماره ۷۳، صص ۴۸-۵۲.
 - ۱۷. فیضی، مجتبی (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، معرفت، شماره ۱۸۵، صص ۴۲-۲۷.